

می‌شد. همان طور که اشاره شد، با توجه به شرایط اقلیمی کمتر کسی به موضوع خود آب یا بحران‌های احتمالی کمبود آب توجه می‌کرد و به جای آن مسئولین همچون سایر بخش‌های نظام نوپا جمهوری اسلامی در حال تدوین ساختارها، قوانین و سیاست‌های مدنظر بودند.

علاوه بر این در این زمان نگاه تامین برق کاملاً بر موضوع آب غلبه داشت.

همین مسائل و شرایط سیاسی کشور باعث شده که طی سال‌های ۵۸ تا ۶۰ سه وزیر با مدت وزارت یک ماه تا یک سال بر سر کار بیایند، عباس‌پور، مقدم و شهیدی فر از جمله وزیران دولت شهید رجائی و با هنر بودند.

حتی تا پایان جنگ و شروع دولت سازندگی این تزلزل در وزارت نیرو همچون سایر بخش‌ها بود و تا قبل از سال ۶۷ تنها حسن غفوری فرد بود که به مدت چهار سال سکندار این وزارتخانه ماند، غفوری فرد در مرداد ۶۰ در اوج ترورها و بمب‌گذاری‌های منافقین و ده روز بعد از شهادت شهید رجائی و با هنر در انفجار نخست وزیری، وزارت نیرو را تحویل می‌گیرد.

طی سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، بخش عمران آب براساس برنامه‌های قبل از انقلاب انجام می‌گرفت اما در بخش‌های سیاست‌گذاری که ویرایش قیمت آب و برق بود، شرایط سیاسی و انقلابی تأثیر خود را به وضوح نشان داد و امام خمینی (ره) در اوایل انقلاب به طرح موضوع آب و برق مجانی برای مستضعفان می‌پردازند. حسن غفوری فرد، وزیر نیرو دولت شهید باهنر، مهدوی کنی و میرحسین موسوی درباره اجرای این مسئله می‌گوید: «ما آن موقع طرحی دادیم که دولت هم تصویب کرد، مبنی بر این که برای خانواده‌های ضعیف، آب و برق تا سقف مشخصی، مجانی شود.

محاسبه کردیم که خانواده ضعیف حداقل تا ۱۵۰ کیلووات برق نیاز دارند. در مورد آب هم گفتیم متوسط مصرف قابل قبول جهانی برای هر نفر ۱۵۰ لیتر در روز است، یعنی در ماه برای یک خانواده ۴ نفره تا ۲۰ متر مکعب آب رایگان بود.»

البته امام (ره) هیچ‌گاه از آب و برق رایگان برای تمام مردم سخن نگفتند و تنها تأکید بر رایگان شدن برای مستضعفان داشتند. غفوری فرد در پاسخ به این سوال که این سیاست به نوعی رویکردی تشویقی برای مصرف کمتر هم بود؟ می‌گوید: «صدرصد. اساساً فرمول ما، فرمولی بود که تشویق می‌کرد به کم مصرف کردن مشترکان.» به گفته غفوری فرد نه تنها این قانون تصویب بلکه در دولت میرحسین موسوی اجرایی شد، وی در خصوص علت آن توضیح می‌دهد: «در دولت‌های دیگر مانند دولت شهید رجایی و آقای مهدوی کنی اساساً فرصت پرداختن به این سیاست‌ها پدید نیامد، ضمن این که آن‌ها درگیر مسائل امنیتی پیچیده‌ای بودند.»

غفوری فرد در توصیف شرایط وزارت نیرو در آن زمان می‌گوید: «تمامی پیمانکاران و مشاوران خارجی رفته بودند. پیمان‌کارانی که در سدهای جیرفت، میناب و سدهای دیگر فعالیت می‌کردند، مراکز خود را نیمه‌کاره رها کرده و رفته بودند. همه سدهایی که از پیش از انقلاب در حال احداث بودند تا سال ۶۰ که من وزیر نیرو شدم،

نیمه‌کاره رها شده بودند که تقریباً از سال ۶۱ آن‌ها را راه‌اندازی کردیم.

علاوه بر آن، مهندسان خوب ایرانی نیز رفته بودند و مدیران ارشد وزارتخانه نیز فرار کرده بودند. دانشگاه‌ها تعطیل بود و با کمبود نیروی انسانی مواجه بودیم، تحریم‌ها اعمال می‌شد، در ضمن ارز هم نداشتیم.»

دولت سازندگی شیخ الوزرا

با پایان جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی، شعار سازندگی در صدر همه برنامه‌ها قرار گرفت، توسعه اقتصادی سبب باز شدن آغوش کشور بر روی منابع مالی خارجی شد و شتاب سدسازی در کشور کلید خورد.

بیژن زنگنه در دولت هاشمی با سابقه نه سال وزارت نیرو، با ثبات‌ترین وزیر این حوزه بود که حتی در دولت‌های بعدی نیز صدارت سایر وزارتخانه‌ها را برعهده گرفت، به نحوی که امروز به شیخ الوزرا معروف است.

در این دوران بر توسعه عرضه تأکید و در زمینه استحصال روان‌آب‌ها و عرضه آن به مصرف‌کنندگان شرب، صنعتی و کشاورزی گام‌های بزرگی برداشته شد. سدسازی محور این توسعه قرار گرفت.

البته این توسعه عمدتاً با نگاه تامین برق بود، لذا نیروگاه‌های برقایی در کشور توسعه پیدا کردند که خود یک دهه بعد منشأ بسیاری از بحران‌های آب در مناطق مختلف شد.

با پایان یافتن جنگ هشت ساله تحمیلی عراق بر علیه کشور ایران بازسازی و اجرای طرح‌های عمرانی شدت بیشتری گرفت و دولت و مجلس شورای اسلامی نیز توجه خود را به تصویب قوانین و اجرای طرح‌های عمرانی معطوف داشتند. وضعیت بهداشت محیط شهرها و الزام و ضرورت جمع‌آوری، انتقال و ساماندهی فاضلاب و تاسیسات آب‌رسانی شهرها و واحدهای صنعتی، مقدمات تصویب قوانینی را در این زمینه به وجود آورد.

بر همین اساس قانون تشکیل «شرکت‌های آب و فاضلاب» در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۶۹ تصویب و ابلاغ شد. براساس این قانون ایجاد و بهره‌برداری از شبکه‌های توزیع آب شهری و جمع‌آوری و انتقال و تصفیه فاضلاب شهرها برعهده شرکت‌های مستقلی با عنوان شرکت‌های آب و فاضلاب استانی که زیر نظر وزارت نیرو انجام وظیفه می‌کنند؛ گذاشته شد.

بخشی از امورات عمرانی مربوط آبرسانی روستاها و جمع‌آوری و دفع فاضلاب‌های روستایی هنوز تا این تاریخ در اختیار وزارت نیرو قرار نگرفته بود. و کماکان برعهده وزارت جهادسازندگی بود. علاوه بر این قوانینی مبتنی بر انتقال آب به ویژه از منطقه زاینده‌رود به نقاط مختلف کشور به تصویب رسید که مبنای کار دولت‌های بعدی نیز گردید و مقدمات طرح ایران رود یا انتقال آب از دریا‌های شمال و جنوب به بخش‌های فلات مرکزی ایران مطرح شد. استفاده از آب‌های زیرزمینی نیز همزمان با توسعه کشاورزی شدت بیشتری گرفت که با توجه شرایط اقلیمی و منابع زیرزمینی تبعات

آن سال‌ها بعد خود را نشان داد.

دولت اصلاحات وزارت بی‌طرف

ثبات وزارت در دوره اصلاحات نیز همچون دوره سازندگی ادامه داشت به نحوی که حبیب‌الله بی طرف ۸ سال وزیر نیرو بود، در کنار این رویکرد عمرانی، روند ساختارسازی و سیاست‌گذاری همچنان مسیر قبلی خود را ادامه داد. این دولت در پایان کار خود، سدسازی را جز افتخارات کارنامه‌اش عنوان کرد به نحوی که ایران را پس از کشورهای چین و ترکیه سومین سدساز دنیا و آن دوران را دوران استثنائی سدسازی نامید.

در آن زمان اعلام شد ایران ۲۷۵ سد بزرگ ساخته شده دارد که تنها ۱۳ سد مربوط به قبل از انقلاب اسلامی است.

روزنامه ایران در آن زمان نوشته، «تا پایان نیمه اول امسال (۸۴) ۸۸ سد مخزنی از محل اعتبارات ملی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند که از این میان ۵۲ سد در دوره هشت ساله ۷۶ تا ۸۴ ساخته شده است، ساخت ۸۱ سد نیز در مرحله اجرایی و ۱۷۲ سد نیز در مرحله مطالعه قرار دارد. انتقال آب نیز همچون دولت گذشته در دولت اصلاحات نیز ادامه پیدا کرد، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، طول تونل‌های انتقال آب کشور حدود ۲۵ کیلومتر بود اما پس از پیروزی انقلاب و تا دوران اصلاحات ۵۰ کیلومتر دیگر به آن اضافه شد که ۳۲ کیلومترش مربوط به دولت خاتمی بوده است، همان زمان اعلام شد که علاوه بر این ۲۲۵ کیلومتر تونل انتقال آب در دست اجرا و ۱۰۳ کیلومتر دیگر در دست مطالعه است. نمونه یکی از این انتقال‌ها انتقال آب سرچشمه‌های دره به کویر مرکزی بود که با هدف تامین آب اصفهان و شهرهای حاشیه کویر صورت گرفت و پیش‌بینی شد آب این مناطق را تا افق سال ۹۰ تامین کند، افقی که امروز شاهد بحران آب در اصفهان هستیم. حبیب‌الله بی‌طرف در مصاحبه‌ای در اواخر این دولت می‌گوید: «مدیریت کنونی منابع آب در ایران به بلوغ رسیده است، اندک اندک، سازوکارهای قانونی برای اعمال مدیریت جامع و به هم پیوسته مدیریت آب در کشور در حال شکل‌گیری است و لذا امکان غلبه بر چالش‌ها وجود دارد!»

دولت عدالت و مهرورزی دو وزیر برای یک رئیس‌جمهور

با روی کار آمدن دولت نهم و یازدهم و افزایش درآمدهای نفتی، منابع مالی برای تزییق به پروژه‌های عمرانی در حوزه آب فراهم شد، همین مسئله باعث سرعت گرفتن سدسازی در کشور شد.

بنابر آمار شرکت مدیر منابع آب ایران تاکنون یعنی در پایان دولت دهم، در ایران ۵۹۰ سد به بهره‌برداری رسیده‌اند. علاوه بر این ۱۳۵ سد دیگر در دست ساخت و ۵۴۶ سد دیگر نیز در دست مطالعه هستند که در صورت اتمام ساخت تمام سدها، تعداد کل سدهای کشور به یک هزار و ۲۷۱ سد خواهد رسید؛ بروز خشکسالی و کاهش